

دریای خزر، مصالح و منافع ایران

دکتر کاظم ودیعی

□ ابتکار عمل روسیه

در ۱۷ فوریه ۱۹۹۲ مذاکراتی بین روسیه و کازاخستان و ترکمنستان و جمهوری آذربایجان صورت گرفت. این اعضا سابقه‌ی همکاری‌های تاریخی و به هر حال زبان مشترکی داشتند ولی ایران در حاشیه مذاکرات بود.

چون مشاع شدن دریای خزر پذیرفته همگی کشورهای پنجگانه ساحلی نشد اکثراً به این نظریه تن دادند که اعماق دریای خزر به صورت Defacto مورد بهره‌برداری قرار گرفته شود. باز هم ایران مشارکتی نمی‌توانست داشته باشد زیرا اعماق مجاور ایران قابل بهره‌برداری نبود به دلایل معرفه الارضی و گودی و عدم اکتشافات و نیز اعماق مجاور جمهوری آذربایجان و کازاخستان در قلمرو سنتی ایران نبودند.

طرح روسی مشاع بودن دریا Condomniom نام داشت و برابر این طرح کل این دریا شامل یک قانون بود ولی سه دولت جدیدالولاده به دلیل اغوای غرب و کمپانی‌ها مانع آن شدند. روسیه پس کشید و غرب مخالف ایران اسلامی ولایتی در معامله با کازاخستان و جمهوری آذربایجان شد. این شد که راه برای بهره‌برداری کشورها از اعماق خزر به صورت دوفاکتو Defacto در اذهان جا باز کرد. بی‌آن‌که ایران اصرار بر نفی آن کند. زیرا حتی ایران ممکن بود در آب‌های خود به نوعی به بهره‌برداری رسد یا شرکت کند رسماً در اقدامات دیگران. فراموش نکنیم که ایران و روسیه تنها در ۱۹۵۴ توانستند به تعیین مرزهای خود در خاک برسند و در دریا روس‌ها یک طرفه خط مرزی آستارا - حسن کولی را به صورت دوفاکتو نظراً رسم کردند. (۲۱)

در حقیقت کشورهای پیرامون خزر راهی نداشتند مگر آن‌که بین ادعاهای تاریخی و قبول ضرورت‌های اقتصادی آشتی دهند. به همین دلیل بود که بحث‌های مربوط به این‌که خزر دریاست یا دریاچه؟ خزر دریایی است بسته یا نیم‌بسته یا باز؟ خزر دریایی است

که شامل قواعد حقوق دریاها می‌شود یا خیر؟ خزر دریایی است مرزی یا نه؟ و احکامی مثل «دریای خزر به علت وسعت شامل حقوق دریایی‌ست»^۳ و حتی بحث این‌که دریای خزر به مانند بحرالمیّت و دریاچه‌های پنجگانه‌ی آمریکا شامل حقوق دریایی نمی‌شود^۴ و نیز این‌که خزر دریایی است داخلی یا قاره‌یی یا سرزمینی؟ یا این‌که منطقه‌یی‌ست اقتصادی خاص چند دولت؟ به کنار نهاده شده. ۶۵

باری، فشار منافع آبی و بازار گرم نفت و گاز موجب شد تا روسیه با نگاهی صرفاً اقتصادی با جمهوری آذربایجان و کازاخستان وارد مذاکره شود و به نتیجه لازم برسد.

در همان حال، ایران مدعی بعضی ذخایر آذربایجان شد و ترکمنستان هم مدعی بعضی مخازن در بخش مرکزی دریای خزر بود و در نتیجه ترکمنستان و ایران به هم نزدیک شدند.

پیوسته باید به خاطر داشت که فعلاً جای جغرافیایی ذخایر هیدروکربور در بخش مرکزی دریای خزر است. این واقعیت جغرافیایی ایران را از مذاکرات دور و روسیه و کازاخستان و جمهوری آذربایجان را به هم نزدیک می‌کند. مدتی موضع کازاخستان و ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در برابر روسیه سخت شد. بحث بر سر این بود که اگر روسیه امروز وارث شوروی است جمهوری‌های تازه مستقل شده سه گانه نیز در این ارث سهمی دارند ولی این بحث‌ها به جایی نرسید، جز به هرج و مرج فکری در جلسات، ایران هم مدعی وراثت قراردادهای شد. و روشن بود که باید همگی برگردند به واقعیت‌های روز.

اقدامات پراکنده

در ۱۵ دسامبر ۱۹۹۳ روسیه و سه جمهوری تازه خزری شورای همکاری دول کرانه خزر را تشکیل دادند که به دلیل عقد قراردادهای

با شرکت‌های نفتی جهانی آن شورا را در نطفه میراند. در نوامبر ۱۹۹۶ دو کشور ایران و ترکمنستان قرارداد مشارکت بستند.

و در سال ۱۹۹۷ سه کشور آذربایجان و روسیه و کازاخستان نیز قرارداد مشارکتی را به امضا رسانیدند.

در این حال ایران و ترکمنستان بخش ملی سواحل خود را ۴۵ مایل از ساحل اعلام کردند و باقی را فضای بهره‌برداری مشترک خواندند.

در ۱۹۹۸ دولت روسیه طرح خط میانی تعدیل یافته دریای خزر را به دیگر کشورهای ساحلی پیشنهاد کرد. برابر این طرح سطح دریای خزر مشاع و اعماق دریای خزر قابل تقسیم‌اند. بر اثر جاذبه و منطق این طرح بود که کازاخستان هم با ترکمنستان به تحدید حدود در آب‌های خزر پرداختند. و مرزهایی پیدا شد در دریای خزر که در حقوق بین‌الملل بی‌سابقه‌اند.

باز هم ایران منزوی ماند چون نه طرحی ارائه کرد برابر طرح نه مشارکت کرد. تنها عکس‌العمل این بود که بگویند: «امر خزر امر بین جمهوری‌های سابق شوروی شده است.»

در سال ۲۰۰۰ روسیه و ایران پیشنهاد پنجاه، پنجاه را ارائه کردند که عبارت از این بود که هر دولت آغاز به استخراج کند نیمی را به دیگری دهد به شراکت. روس‌ها و ایرانیان پیشنهاد شورای حفاظت محیط زیست و صید و همکاری سیاسی هم داده بودند.

در سال ۲۰۰۱ دو کشور روسیه و آذربایجان قرارداد «آب‌ها مشاع - اعماق تقسیم» را عمل کردند و کازاخستان هم به آن‌ها پیوست. سپس در ۲۰۰۲ شورای سران کشورهای پیرامون خزر، اساسنامه‌یی تدوین کرد با در نظر گرفتن کنسرسیومی برای مناطق مورد اختلاف کشورها سهم ایران در این حال از ۱۳/۸ درصد به ۱۶ درصد می‌رسید اما اساسنامه تصویب نشد.

توافق اول: سرانجام کلیه‌ی کشورهای ساحل خزر به طرح روسیه با رعایت خط میانی تعدیل شده رغبت نشان دادند.

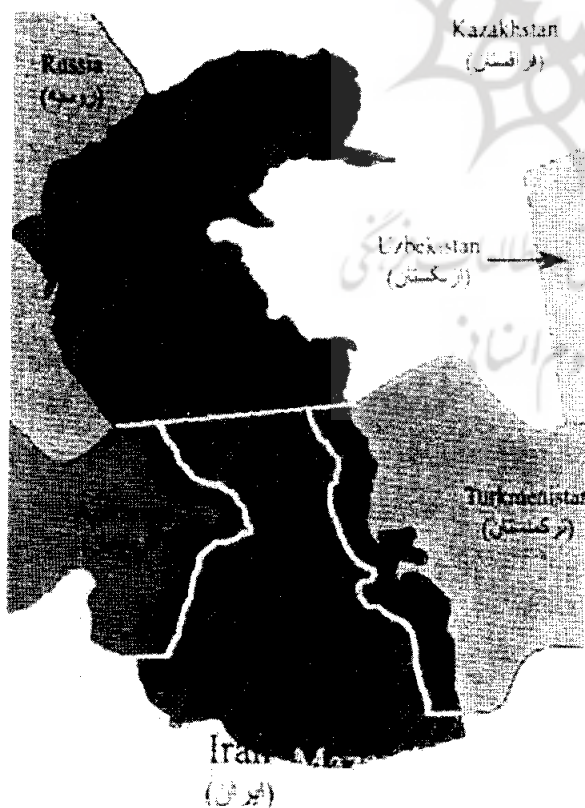
به این ترتیب سطح آب دریا مشاع و اعماق دریای خزر قابل تقسیم شد. روس‌ها در سطح به برتری ناوگان خود اطمینان داشتند و در عمق به دید اقتصادی رسیدند.

کمپانی روسی Loukail با رعایت و حرمت احساسات ملی دیگران ده درصد سهام کنسرسیوم جهانی را خرید و دریای خزر از

این پس پهناب بسته‌یی قلم رفت اما شامل حقوق دریاها نشد زیرا Land Locked Body of Water لقب گرفت.

برخورد: در این فاصله وقایعی در رابطه با جمهوری اسلامی ایران رخ داد که به ذکر می‌ارزند. از جمله آن که اختلافات کهنه و مانده ترکمنستان و ایران با دیگران منتهی به تهدید نظامی از سوی این دو کشور اعلان شد. زیرا این دو کشور در اعتراض به نزدیک شدن‌های روسیه و کازاخستان و جمهوری آذربایجان شنیده نمی‌شدند.^۷ روس‌ها به نر می عمل کردند و فضای ملی ساحلی را با توافق به ۴۵ مایل رساندند. مع‌هذا ایران در بازی بزرگ خزر میانی حضور نداشت. و به یاد آوریم که منابع جمهوری آذربایجان در آن سوی خط ۴۵ مایلی قرار دارند و ایران در گذشته در این سو منافع داشت.

در سال ۱۹۹۸ روسیه و کازاخستان بر سر اعماق دریا سهم دریایی خود قراردادی بستند که ضربه‌یی کاری بود برای پایان دادن به تردیدها و این قرارداد مبنای مهمی شد برای بعدها، زیرا چند سال بعد^۸ روسیه‌ی پوتین و جمهوری آذربایجان هم چنان کردند. البته روس‌ها با این عمل هم تکلیف بخش شمالی خزر را روشن کردند هم با ملایمت هشدار دادند به ایران و ترکمنستان. بنابراین روسیه به عقلانیت دولتی عمل کرد و دیگران هم تشویق شدند ولی



ترکمنستان و ایران هنوز در بالاتکلیفی بسر می‌برند. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۲ به این طرف جمهوری آذربایجان و کازاخستان با هم کنار آمدند و روسیه و کازاخستان در استخراج سه حوزه‌ی نفتی و نیز در لوله‌کشی‌های مربوط به پنجاه پنجاه شریک هم‌دیگر شدند.

چرخش‌ها: آن‌چه روابط آذربایجان و روسیه را آسان داشت نخست جای جغرافیایی ذخایر نفتی این کشور در بخش شمالی دریای خزر است. این کشور همیشه با دریا و مسائل آن درگیر و نیز آشنا بود و شاید نفت و صنایع مربوط مهم‌ترین عامل استقلال و اعتماد به نفس رهبران و مردم آن باشد.^۹ به یاد آوریم که قصد هیتلر بر تصرف باکو بر اراده مردم در جهت مقاومت افزود. و نیز موجب نزدیکی بسیار علی‌اف رییس‌جمهور سابق به عهد استقلال با استالین در ایام بعد جنگ سوم جهانی شد. آن زمان آذربایجان در عقد شوروی بود و این زمان در تقرب بسیار با آمریکاست و الهام علی‌اف «فرزند» رییس‌جمهوری فعلی از پشتیبانی کامل دولت آمریکا و همراهی کمپانی‌ها برخوردار است و اهرم تحرکات در رابطه با ایران هم هست. در قضایای دریای خزر آذربایجان حقوق دریایی خاص خود را با هم‌فکری امریکاییان نفتی خلق کرد^{۱۰} و پیش رفت.

غیر از ایران، جمهوری آذربایجان در جبهه‌ی دریایی مقابل خود با کازاخستان بر سر بعضی حوزه‌های نفتی مشکل داشت. پیشنهاد روسیه و ایران دائر بر مشاع داشتن خزر به سود آذربایجان هم بود ولی احتمالاً این کشور وسیله‌ی نفت‌جویان و مخالفان روسیه و ایران به عهد جرج واکر بوش اغوا نشد. در آغاز روس‌ها حرف‌شان متوجه مسائل اکولوژیک بود ولی آذربایجان جز از نفت حرف نمی‌زد. این‌ها همه موجب دوری این کشور از ایران و ترکمنستان شد. و این دوری‌ها، با فتنه‌ها برانگیخت.

جمهوری آذربایجان سرانجام در ۲۰۰۱ به طرح روس‌ها براساس خط میانی تعدیل شده و تقسیم اعماق و مشاع داشتن سطح آب‌ها پیوست. این کشور بعضی ذخایری را به ترکمنستان پس داد و بعضی دیگر را پس گرفت^{۱۱} ولی ایران را با حیل دیگران منزوی ساخت. مدت‌ها به نوعی جمهوری آذربایجان کلید مرادوات و تحرکات در دریای خزر شد. منتهی بعد کشف ذخایر گاز در ترکمنستان «حوزه‌ی Chadeniz» در رقابت با آذربایجان شد در صدور گاز به ترکیه و این جمهوری آذربایجان به جمهوری ترکمنستان امتیازها در امر لوله‌های نفت و گاز برداد. اما ترکمنستان در آغاز مذاکرات دریای

خزر طرح خاصی نداشت ولی قوانین خودسرانه برای بهره‌برداری از دریا به تصویب ملی رسانده بود.

به عهد السین ترکمنستان با روسیه قراری بست دایر بر این که «خزر نه در خاک و نه در آب قابل تقسیم نیست» که درست در معنای Condomnium و مشاع بودن مفهوم می‌شود، هرچند خلاف مصوبات خود ترکمنستان بود.

ترکمنستان بعدها به مانند ایران پیشنهاد روسیه را دایر بر ایجاد یک مرکز استراتژیک و اقتصادی خزر پذیرفت و به ایران علی‌رغم آذربایجان نزدیک شد و از کمک‌های ایران در زمینه‌های غیرنفتی بهره برد. این بود که هر دو کشور پیشنهاد تقسیم دریا و رسیدن به ۲۰٪ را کردند. اما با کشف ذخایر کمپانی‌ها سرنفت و گاز، ترکمنستان تغییر سیاست داد. و در سال ۲۰۰۰ خط میانی تعدیل یافته را پذیرفت و آب‌های ساحلی ملی این کشور به ۳۵ مایلی رفت و به عقلانیت اقتصاد دولتی رفت.

ترکمنستان بر سر حوزه‌ی آبشرون با آذربایجان اختلاف داشت و نیز بر دو حوزه‌ی کیپاز Kiapaz و سردار Seadar نظر داشت. این دو حوزه در وسط دریا و در اختیار جمهوری آذربایجان در ۸۴ کیلومتری مرز ترکمنستان و در ۱۸۴ کیلومتری مرز آذربایجان قرار داشتند که چنان‌که رفت، آن‌ها را پس گرفت. و نیز توانست حوزه‌ی عثمان چراگ (واقع در ۱۳۰ کیلومتری مرز ترکمنستان و در ۱۴۸ کیلومتری آذربایجان) را چنان‌که گفتیم، پس بگیرد و بالاخره در حوزه‌ی موسوم به خزر (آذری) که در ۱۱۸ کیلومتری ترکمنستان و در ۱۶۸ کیلومتری ساحل جمهوری آذربایجان بود احقاق حق کند.^{۱۲}

ترکمنستان از آغاز خود را کشور بی‌طرفی اعلام کرده بود اما در ۲۰۰۱ جمهوری آذربایجان را با احضار سفیر و ادعای ۶۰ میلیون خسارت تهدید به جنگ کرد. این دو کشور معمولاً آشتی نمی‌کنند ولی رفته رفته با هم کنار می‌آیند. ذخایر گاز ترکمنستان به ۲۱۰۰۰ میلیارد مترمکعب بالغ است و تمامی دول بزرگ خواستار آنند. این است مبنای قدرت‌گیری ترکمنستان.

موضع ایران: موضع ایران در مذاکرات مربوط به دریای خزر زیر و بالا‌های بسیار پیدا کرد. مع‌هذا به دلیل ضعف آگاهی‌های عمومی بارها در چنگال غرور ملی دست و پا زد. در آغاز خود نظام و مردم یقین داشتند که حقوق آن‌ها در خزر به استناد مستندات

تاریخی محفوظ است و در رسانه‌ها و حتی مباحثات مجلس شورای اسلامی بر تملک گذشته بی‌اعتنا به حضور و ظهور سه کشور جدیدالولاده تکیه می‌کردند. افکار عمومی بر این باور بود که ایران و روسیه به تساوی دریای خزر را در کنترل دارند. این دیپلماسی آرمان‌گرا سریعاً به پیشنهاد روسیه در باب مشاع شناختن دریای خزر در سطح و عمق پیوست و ناگزیر از طرح‌های مبتنی بر داوری‌های یک‌سویه تاریخی و نیز ملهم از بعضی امتیازات مندرج در قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۷ و حتی ۱۳۵۰ دست کشید و فشار افکار عمومی را با کارهای توضیحی رفته‌رفته کم کرد.

از آن‌جا که روسیه - بعد شوروی - تعهدات خارجی شوروی را محترم داشته بود ایرانیان هم با تکیه بر حرمت امضاء توقعات بسیار داشتند. دولت اسلامی و روسیه با الهام از تمایلات روس‌ها ابتدا پیشنهاد «شرکت واحد کشورهای پیرامون خزر» را ارائه دادند. اما قدری دیر بود زیرا آذربایجان و کازاخستان پیش از آن به بهره‌برداری از ذخایر هیدروکربور خزر اقدام کرده بودند.

بعد فروکش کردن طرح‌های آرمانی تقسیم ملی خزر ایران به طرح Condominium رو کرد. زیرا در صورت تصویب سهم ایران از ۱۳/۸٪ مساحت خزر به ۲۰٪ می‌رسید. و براساس آن قبول بهره‌برداری مشترک از اعماق آسان می‌شد (در بخش مرکزی) چنان‌که رفت دو کشور کازاخستان و آذربایجان مسئولیت و بهره‌مندی مساوی را نمی‌خواستند به دو دلیل:

اول آن‌که ذخایر بخش مرکزی به سواحل آن‌ها نزدیک بود. دوم آن‌که چه دلیل داشت ایران را که خود صاحب بخش و سهمی است از خزر، در حصه‌ی خود دعوت به مساوات در بهره‌وری شرکت‌هایی نفتی آمریکایی نمایند، آن‌هم به زمانی که جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خصومت شدید و نفی یکدیگرند و بالاخره در شرایطی که همه‌ی سرمایه با غربی است.

این شد که ایران طرح دیگری آورد مبتنی بر این‌که هر کشور ساحلی خزر ۲۰ درصد در بخش مرکزی برای بهره‌برداری سرمایه‌گذاری کند. از این پیشنهاد تنها ترکمنستان حمایت کرد. سپس ایران پیشنهادی کرد بر این مبنای که تنها کشورهای پیرامون خزر حق تدوین اساسنامه حقوق اقتصادی و دریایی را داشته باشند. ایران به دلیل انزوای سیاسی لازم بود نرم شود تا چنین پیشنهادهایی را به تصویب پنج کشور برساند و به این سمت نرفت.

برخورد نظامی: در سال ۱۹۹۵ دولت ایران با الهام از روسیه به سمت عقلانیت اقتصادی میل کرد تا پیچیدگی‌های سیاسی دیپلماسی را دور زند. سپس در کار بهره‌برداری حوزه‌ی نفتی شادنیز = شاتنگیز Cha-Tingiz ترکمنستان به میزان ده درصد سهیم شد و مشروط بر این‌که در صورت بروز اختلاف به داوری آمریکا تن در دهد. و بدیهی است که پیوسته مدعی داوری مشترک در حوزه‌هایی که در آن سرمایه نهاد است، بماند. پس موضع تعرض به خود گرفته که با خود داشت و بر اثر آن هم در سال ۲۰۰۱ ایران کشتی‌های اکتشافی انگلیس و آذربایجان را از منطقه براند و به تهدیدات نظامی متوسل شد. دولت آذربایجان برنتابید و با اطمینان از حمایت آمریکا در جواب تهدیدات نظامی ایران یک هواپیمای نظامی ایران را برد. و البته طرفین دوباره به مذاکره رفتند که راهی جز این نبود. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- به دستور ژنرال G.Lagoda کشتی‌های ایرانی برای عبور از این خط مرزی فرضی بر آب‌های دریای خزر ملزم به کسب پروانه عبور شدند. به هر حال در قرارداد حرفی از حقوق بین‌المللی دریاها نیست.
- ۲- در جمهوری اسلامی قانون مناطق دریایی ایران تنها ناظر بر خلیج فارس و دریای عمان است. نک: حافظ‌نیا، دکتر محمدرضا، جغرافیای سیاسی ایران، سمت، ۱۳۸۱
- ۳- اشاره به نظریه M. Voelckel در ۱۹۹۰
- ۴- اشاره به نظریه حقوقدان فرانسوی Gilbert Gidel - ۱۹۳۲
- ۵- از ۱۹۵۵ قانون فلات قاره در ایران شامل خزر هم می‌بود.
- ۶- نک. مقاله‌ی آقای مهدیون. ک. در مجله‌ی حقوق بین‌الملل آمریکا - ۲۰۰۰
- ۷- به سال ۱۹۹۵
- ۸- به سال ۲۰۰۳
- ۹- اشاره به جزایر کوچکی در آبهای آستارا مجاور آذربایجان (کشور)
- ۱۰- صنایع نفت باکو در آغاز قرن ۲۰ بسیار مانده به نظام شوروی تاسیس شد. ماده نفت در این سرزمین و در ضلع مقابل خزر در خاک کازاخستان از قدیم‌الایام شناخته مردم بود به مانند ایران. برای اطلاع بیشتر از وضع زمین‌شناسی و جغرافیای طبیعی این سرزمین به کتاب شوروی - آسیای مرکزی اثر جغرافیدان فرانسوی پیر ژرژ، چاپ دانشگاه، ۱۹۴۷، پاریس رجوع نمائید.
- ۱۱- به استناد گاریک گالیستان و دیگرانی چند از جمله سردار Serdar و گونچلی Gunechli و کیاپاز Kiapaz
- ۱۲- این باز پس گرفتن‌ها معرف تجاوزات و خودسری‌های آذربایجان به وقتی که دیگران به ذخایر هیدروکربور نرسیده بودند می‌باشد. مع‌هذا، این بازپس گرفتن‌ها بر ضابطه‌ی فواصل جغرافیایی یعنی دوری و نزدیکی به کرانه‌های این یا آن کشور صورت گرفت.